

بررسی کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن، لیبب بیضون»

حجت‌الاسلام دکتر محمد حسن زمانی*
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صلوات الله علیه العالمية
محمد احسانی*
دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی

چکیده

این مقاله به بررسی و نقد کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن» نوشته لیبب بیضون اختصاص دارد. ناقد بعد از معرفی کتاب، به شیوه استنباط علمی از قرآن می‌پردازد. و بر اساس شیوه صحیح تفسیر و معیارهای آن معتقد است برخی مطالب ادعا شده در کتاب، اعجاز علمی ندارند و برخی از آنها از موضوع کتاب خارج می‌باشند. هم‌چنین در کتاب، افراط در تفسیر علمی، تحمیل نظر بر قرآن و... دیده می‌شود و نوآوری چندانی وجود ندارد.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز علمی، علم، لیبب بیضون.

شناخت‌نامه نویسنده

لیبیب وجیه بیضون از نویسندگان معروف سوریه و دارای کارشناسی ارشد در علوم طبیعی است. او تألیفات گوناگونی در موضوع‌های اسلامی دارد و از آثارش استفاده می‌شود که شیعه است، زیرا تألیفات متعددی درباره معصومان و آثار آنان دارد و در مقدمه کتابش بر آل پیامبر درود می‌فرستد. فهرست این آثار چنین است:

۱. الاعجاز العلمی فی القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳ م.
۲. الاعجاز العلمی عند الامام علی علیه السلام، همان، ۱۴۲۵ق/۱۳۸۴ش.
۳. انساب العترة الطاهرة، تحقیق: لیبیب بیضون، همان، ۱۴۲۵ق.
۴. موسوعة كربلاء، همان، ۱۴۲۷ق/۱۳۸۵ش.
۵. تصنیف نهج البلاغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ق/۱۳۶۱ش.
۶. علوم الطبیعیة فی نهج البلاغه، بی‌جا، مؤسسه نهج البلاغه، ۱۳۵۹/۱۴۰۱ق.
۷. تفسیر الآیات العلمیة فی القرآن، این کتاب در طول ۵ سال گردآوری شد و در رمضان ۱۴۲۱ق به پایان رسید و با حجم دو هزار و هشت صد صفحه به طبع رسید. کتاب کنونی بخشی از آن مجموعه قرآنی است.

محتوای کتاب

کتاب الاعجاز العلمی فی القرآن در پنج بخش تدوین یافته و مطالب آن به شرح زیر است.

اول) مقدمات: نویسنده موضوعاتی از این قبیل را در بخش مقدمات جای می‌دهد: فضیلت قرائت قرآن و بیان این که هدف از آن تدبر در آیات قرآن است، قصه ذعلب یمانی در مورد دیدن خدا که از علی علیه السلام پرسید چگونه خدا را می‌بینی و حضرت فرمود: «ویلک لم تره العیون بمشاهدة الابصار ولكن رآته القلوب بحقائق الايمان...». نویسنده تعریف روشنی از اعجاز علمی ارائه نمی‌دهد و به کلی گویی در مورد جامعیت قرآن بسنده می‌کند. سخنانی از امام علی علیه السلام در باب جامعیت علمی قرآن می‌آورد و تقریباً به این نتیجه می‌رسد که قرآن قضایای

علمی فرااندیشه بشری زیادی دارد و این علوم پایان ناپذیرند و هر زمان یافته‌های تازه‌ای از قرآن کشف می‌شود (بیضون، لیب و جیه، اعجاز العلمی فی القرآن، ۱۸-۱۹). به نظر وی برخی از مسائل علمی قرآن کشف شده و برخی هم ناشناخته مانده‌اند و شاید در آینده روشن گردند.

دوم) کیهان‌شناسی: نویسنده آیات علمی سوره الرحمان در زمینه خلقت انسان و آموزش بیان برای او؛ حرکت خورشید و ماه (همان، ۲۷-۳۴)؛ چند آیه از سوره انبیا، مربوط به آفرینش هستی (رتق و فتق زمین و آسمان و خلقت همه اشیا از آب)؛ حرکت ستارگان، و هماهنگی نظام آفرینش را مطرح و مطالب مفصلی پیرامون هر کدام ارائه می‌کند. در بحث کیهان‌شناسی به این بحث می‌پردازد که آیا در کرات آسمانی مخلوقاتی مانند موجودات زمینی وجود دارند یا نه؟ با توجه به آیه ۲۹ سوره شورا «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» به این نتیجه می‌رسد که در کره‌های آسمانی آفریده‌هایی مانند موجودات زمینی هستند (ر.ک. به: همان، ۲۷-۹۷). او در این موضوعات بهره فراوانی از سخنان امام علی علیه السلام می‌برد.

سوم) زمین‌شناسی و حرکت ابر و هوا: این فصل به زمین‌شناسی، ابر و باد اختصاص دارد و نویسنده در موضوعاتی چون پیدایش زمین‌شناسی در قرآن، معجزه کوه‌ها و نقش آن در زندگی انسان؛ نقش آب در زمین؛ معجزه ابر، باران و طبقات هوا بحث می‌کند (ر.ک. به: همان، ۱۰۰-۱۳۰).

چهارم) فیزیک و شیمی: لیب و جیه بیضون آیات سوره نحل مربوط به زنبورعسل و خصوصیات پزشکی عسل؛ آیاتی از سوره واقعه درباره معجزه بودن آتش و چوب و شکر؛ آیات سوره بقره در ارتباط با گندم و نقش آن در زندگی بشر را در این فصل بحث می‌کند و در مورد انرژی خورشید، خاک و آب شور دریا، اعجاز آب و در آخر معجزه زوجیت در مخلوقات سخن می‌گوید و پیرامون هر یک مباحثی را ارائه می‌کند (همان، ۱۳۳ - ۲۰۴).

پنجم) فیزیولوژی و پزشکی: در این بخش به بیان معجزه بودن خواب؛ برخی از اعضای بدن مانند لب‌ها، دست‌ها، انگشتان، صلب و ترائب؛ جنس پسر و دختر؛ قانون وراثت؛ غدد داخلی؛ هورمون‌ها؛ خلقت انسان و نعمت‌های خدا به

او، سمع و بصر، معده، دهان، زبان، گوش، قلب، پوست بدن و سلول‌ها می‌پردازد. وی معتقد است هر عضو انسان معجزه روشن الهی است و کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد و قرآن نیز به این ناتوانی بشر اشاره کرده است (همان، ۲۰۷-۲۸۳).

رویکرد تفسیری کتاب

نویسنده در پی تطبیق نظریات علمی با قرآن است، از این رو آیات را گزینش می‌کند و متناسب با موضوعات علمی مورد نظر خود به بحث می‌پردازد و مطالبش را با گرایش علوم طبیعی می‌نویسد. گرایش علمی وی علوم طبیعی است و با همین نگرش به مطالعه قرآن می‌پردازد. اعجاز قرآن را مطلق معنا می‌کند و به همه حوزه‌های دانش بشری گسترش می‌دهد. به نظر او قرآن، افزون بر فصاحت و بلاغت، گزاره‌های علمی بسیاری دارد که عقل بشر در برابر آن ناتوان است. قرآن مسائلی را در عرصه‌های مختلف علمی مطرح کرده است که فکر بشر در عصر نزول بدان راه نداشت و این مطالب در عصر ما کشف شده‌اند. دست آخر این که اعجاز علمی در عصر ما نیز جریان دارد و بعدها هم ادامه خواهد داشت (همان، ۱۸-۱۹). مؤلف آیه «قُلْ لئن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء / ۸۸) را دلیل سخن خود می‌داند و معتقد است قرآن از ابعاد گوناگون معجزه جاوید است، چون بُعد بیانی و علمی آن محدود به زمان و فرهنگ خاصی نیست. به نظر وی، مخلوقات عالم آفریده و کار خدا هستند و علوم طبیعی اسرار کار خدا را کشف می‌کند. قرآن کلام خداست و سخن خدا باید با کار او مطابقت داشته باشند (همان، ۱۸)، از این رو میان گفتار و رفتار خدا دو گانگی وجود ندارد قرآن کریم پیش از دانشمندان، به مسائل علمی مربوط به عالم طبیعت اشاره کرده است و همان مسائل، اعجاز علمی قرآن را تشکیل می‌دهند.

روش‌شناسی کتاب

مؤلف شیوه‌هایی را در تدوین کتاب به کار می‌بندد که با دید روش‌شناسانه به کتاب، می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را چنین برشمرد.

اول) روش تفسیر موضوعی

تفسیر قرآن کریم دو اسلوب کلی (ترتیبی و موضوعی) دارد. مفسران در اسلوب اول قرآن را با آن تفسیر می‌کنند و به تبیین معنای تک تک آیات بر اساس ترتیب قرآن - از حمد تا ناس - می‌پردازند (صدر، سیدمحمدباقر، المدرسة القرآنیة، ۲۰-۲۳) و در اسلوب دوم از سه شیوه استفاده می‌کنند.

الف - تفسیر موضوعی سنتی (درون قرآنی): موضوع از درون قرآن انتخاب می‌شود و آیات موافق و مخالف بررسی و نتیجه‌گیری می‌شود، مانند: انفاق در قرآن، موسی در قرآن و... .

ب - تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای: موضوع انتخاب و از دیدگاه دو دانش بررسی می‌شود، مثلاً وجود حیات در کرات آسمانی در کیهان‌شناسی و قرآن، یا «ربا» از نظر اقتصاد و دانش قرآنی (رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۳)، مبحث تفسیر موضوعی).

ج - تفسیر موضوعی برون‌قرآنی: موضوع از بیرون قرآن انتخاب و به صورت پرسش بر قرآن عرضه می‌شود، مثل سکولاریسم یا پلورالیسم از نظر قرآن (صدر، سید محمد باقر، التفسیر الموضوعی والفلسفة الاجتماعیه فی المدرسة القرآنیة، ۳۰). بر این اساس، مفسر موضوع را در زندگی اجتماعی جست و جو می‌کند و مباحث قرآنی را مطابق آن موضوع ارائه می‌دهد (صدر، سید محمد باقر، همان، ۲۳)، مثلاً تربیت فرزند را که از مسائل مهم اجتماعی و خانوادگی است، از منظر قرآن کریم بررسی می‌کند و نظر قرآن را در این زمینه ارائه می‌دهد.

کتاب حاضر به شیوه موضوعی (صورت دوم و سوم) نوشته شده است. بر این اساس نویسنده موضوعی را که در حوزه علوم طبیعی مطرح است و احیاناً به اثبات رسیده است، ذکر می‌کند، سپس آیات متناسب با آن موضوع را از قرآن کریم بررسی می‌کند. این شیوه، با روش شهید صدر در فهم قرآن و استفاده از آیات در زمینه علوم بشری، مطابقت دارد؛ نه با شیوه مشهور در تفسیر موضوعی سنتی (درون قرآنی)، زیرا نویسنده موضوعات را از بیرون قرآن انتخاب و بر قرآن عرضه می‌کند؛ نه این که آن‌ها را از قرآن استخراج کند؛ البته مفسر گاهی نیز از شیوه تفسیر موضوعی میان رشته‌ای سود می‌برد.

دوم) شیوه‌های استنباط علمی از قرآن

سه شیوه اساسی در این مورد وجود دارد (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن) که عبارت است از: ۱) تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن، ۲) استخراج همه جزئیات علوم از قرآن، ۳) استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن.

ما به بررسی هر سه شیوه در کتاب الاعجاز العلمی فی القرآن می‌پردازیم.

الف - تطبیق آیات بر موضوعات علمی:

از محتوای کتاب بر می‌آید که نویسنده بیشتر از شیوه تطبیق آیات بر مسائل علمی بهره می‌برد، یعنی مفهوم عام و کلی آیات را بر مصداق معین تطبیق می‌کند. برای نمونه، وی موضوع آتش و انرژی خورشید را مطرح می‌کند و درباره آن به تفصیل سخن می‌گوید. آن‌گاه آیه «أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ أَنْتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ»؛ (واقعۀ ۷۱-۷۲) «آیا به آتشی که می‌افروزید، اندیشده‌اید؟ آیا شما درختش را آفریده‌اید یا ما آفریننده‌ایم؟» را بر آن تطبیق می‌کند. نویسنده این آیه را اعجاز علمی قرآن می‌داند و آن را بر انرژی خورشید، انرژی هسته‌ای، انرژی نفت و فراورده‌های آن حمل می‌کند (بیضون، لیب و جیه، همان، ۱۵۷ - ۱۶۸).

به نظر می‌رسد، سخن گفتن درباره انواع انرژی‌ها - نظیر انرژی آتش، انرژی خورشید، انرژی هسته‌ای و دیگر مواد آتش‌زا - و ادعای مطابقت آیه بر آنها، از باب انطباق مفهوم کلی آیه بر مصداق است.

این آیات انسان را از راه مشاهده رمز و راز جهان بیرونی و درونی، به شناخت عظمت خداوند فرا می‌خوانند و راه پی بردن به نظام هستی و آفرینش انسان را منحصر به کسب علوم مختلف بشری می‌دانند، چون تا زمانی که انسان از دانش‌های بشری بهره‌ای نداشته باشد، از رمزهای نظام خلقت بی‌اطلاع خواهد ماند (همو، ۲۰-۲۳).

همچنین نویسنده موضوع حرارت را مطرح می‌کند و به بحث مفصلی پیرامون هر یک از انواع حرارت در فلزات و غیر آن می‌پردازد و آیات ۵۴ سوره

فصلت ﴿سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ و آیه ۳۰ سوره انبیا ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾ را بر آن تطبیق می‌کند (همان، ۱۶۹-۱۸۴). او جامد شدن و تبخیر آب را که از نظر علمی قطعی است، مصداق آیه دوم می‌داند.

نویسنده این امور را از مصادیق آیات آفاقی قرار می‌دهد و نقش آب را در آن‌جا که قرآن فرمود: ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا﴾؛ (انبیاء، آیه ۳۰)، معجزه می‌داند (همان، ۱۷۲-۱۷۳). همچنین مسأله «تقدیر و تدبیر» عالم را، مطرح می‌کند و از آیات یاد شده و این آیه ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾؛ (ذاریات/۲۰-۲۱) «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است. و در وجود خود شما - نیز آیاتی است - آیا نمی‌بینید» استفاده می‌کند. همچنین نظم و هماهنگی نظام خلقت را در دو بعد جهانی و انسانی از تفکر در آیات آفاقی و انفسی تلقی و در مورد آن ادعای اعجاز می‌کند.

ب - شیوه استخراج همه جزئیات علوم از قرآن: برخی مانند ابوالفضل مرسی و طنطاوی، مؤلف تفسیر الجواهر، بر این باورند که همه علوم بشری در قرآن وجود دارند و باید آن‌ها را کشف کرد (رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۲)، ۱۹۴-۱۹۵). ظاهراً مؤلف از طرفداران استخراج همه علوم از قرآن است، چون در بیان اعجاز علمی قرآن، بین عالم آفرینش و قرآن معادله برقرار می‌کند و می‌گوید:

«هر چه در عالم خلقت وجود دارد، از اسرار علمی در قرآن نیز هست، چون نظام طبیعی، کتاب تکوین و قرآن، کتاب گفتار است و هر چه در یکی باشد، در دیگری نیز هست (بیضون، لیب و جیه، همان، ۱۸).

از این مقایسه برمی‌آید که به نظر نویسنده، همه علوم در قرآن هست و به مرور زمان آشکار خواهد شد. اگر این شیوه تفسیر علمی مراد نویسنده باشد، پذیرفتنی نیست، زیرا همه جزئیات علوم بشری و فرمول‌های علمی در ظواهر قرآن وجود ندارد و اصولاً قرآن کتاب هدایت است که گاهی در راستای هدف هدایتی خود از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و اعجاز‌آمیز استفاده می‌کند.

ج - استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن: در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با داشتن شرایط لازم و رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند (رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱، ۴۸). نویسنده گاهی این شیوه را به کار می‌بندد و از نظریه‌های ثابت شده در علوم طبیعی، برای فهم درست قرآن استفاده می‌کند. این روش، شیوه خوبی در تبیین مفاهیم بلند قرآنی است و شایسته است در تفسیر آیات قرآن از آن بهره برده شود. نمونه‌ای از این نوع استفاده را می‌توان در مورد تشبیه «تنگ شدن سینه کفار» به «بالا رفتن در آسمان» یافت.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾؛ (انعام/ ۱۲۵) «و هرکس را که خدا بخواهد راه‌نمایی‌اش کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید و هرکس را که بخواهد (به خاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وانهد، سینه‌اش را تنگ‌تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود».

مؤلف می‌نویسد:

«این تشبیه، اعجاز علمی بزرگی است؛ زیرا در عصر نزول، بالا رفتن در آسمان، به ذهن کسی نمی‌رسید و از امور محال شمرده می‌شد. در فضای آن روز، تنگی سینه هنگام بالارفتن به آسمان، تصور نداشت و به ذهن کسی نمی‌آمد. اگر تلاش دانشمندان امروز در صعود به آسمان و کشف رقیق‌شدن هوا در فضای بالاتر و مشکل تنفس در آن فضا نبود، هنوز کسی از این راز قرآن آگاه نبود. سخن از چنین مسأله‌ای در زمان نزول قرآن که تصور آن هم بعید می‌نمود، معجزه‌ای روشن در حوزه دانش بشری است» (بیضون، لیب و جیه، همان، ۱۲۴-۱۳۰).

این مطلب در تفسیر نمونه نیز آمده است و مفسر آیه شریفه را گویای اعجاز علمی قرآن می‌داند و می‌نویسد:

«تشبیه تنگی سینه کفار به کسی که می‌خواهد به آسمان بالا رود، اشاره به این است که «امروزه ثابت شده است که هوای اطراف کره زمین در نقاط مجاور زمین کاملاً فشرده و برای تنفس انسان آماده است، اما هر قدر به طرف بالا حرکت کنیم، هوا رقیق‌تر و میزان اکسیژن آن کم‌تر می‌شود؛ به حدی که اگر چند

کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا حرکت کنیم، تنفس کردن برای ما هر لحظه مشکل و مشکل تر می شود و اگر به پیشروی ادامه دهیم، تنگی نفس و کمبود اکسیژن سبب بی هوشی ما می گردد. بیان این تشبیه در آن روز که هنوز این واقعیت علمی به ثبوت نرسیده بود، در حقیقت از معجزات علمی قرآن محسوب می گردد» (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۵، ۴۳۶).

بررسی کتاب

الف - نقاط قوت

برخی از نقاط قوت کتاب چنین است.

۱. شیوایی بیان و روانی قلم: نویسنده مطالب خود را در جمله‌های روان و ساختار مقبول به مخاطبان ارائه می دهد.
۲. انتخاب مناسب عناوین و زیر مجموعه‌های کتاب: این اثر مطالب را در چهار بخش اصلی و با زیر عناوین مناسب سامان می دهد.
۳. استفاده از آیات متعدد پیرامون موضوع واحد: نویسنده تقریباً روش موضوعی را به کار می بندد. وی آیات مختلف پیرامون یک مطلب را گرد می آورد و از آن ها در تبیین موضوع بهره می برد.
۴. استفاده از سخنان معصومان؛ به ویژه امام علی علیه السلام: نویسنده متناسب با موضوعات مورد بررسی، بارها از سخنان معصومان سود می برد؛ رویکردی که در آثاری از این دست کم تر به چشم می خورد.

ب - نقاط ضعف

اول) نقد محتوایی

۱. معجزه علمی نبودن برخی گزاره‌ها: ادعای اعجاز علمی در مورد آیات قرآن کار ساده‌ای نیست، چون گزاره‌های قرآنی برای معجزه علمی بودن باید ویژگی‌هایی را داشته باشند و چنین ادعایی در صورت نبود یکی از آن‌ها، توجیه علمی ندارد. منظور از اعجاز علمی یا رازگویی علمی قرآن این است که قرآن مطلب علمی را که کسی قبل از نزول آیه، از آن اطلاع نداشت، بیان کند؛ به طوری که مدت ها بعد از نزول آیه، آن مطلب علمی کشف شود. این مسئله

علمی باید طوری باشد که با وسائل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بود، قابل دسترسی نباشد. بر این اساس، اخبار غیبی در مورد حوادث طبیعی و جریان‌های تاریخی هنگام نزول آیه که کسی از آن اطلاع نداشت و پس از خبر دادن قرآن، طبق همان خبر واقع می‌شود، اعجاز علمی می‌باشد؛ البته آن خبر باید به وسیله ابزار عادی قابل پیش‌بینی نباشد. بنابراین، اگر مطلبی هست که در کتب پیشین از آن سخن رفته یا در مراکز علمی یا کتاب‌های علمی بدان اشاره شده است و حتی اگر به صورت غریزی فهم‌پذیر باشد، معجزه شمرده نخواهد شد (محمد علی رضایی اصفهانی، همان، ۱۸۵). بعضی موضوعات طرح شده در کتاب مانند زوجیت گیاهان (بیضون، لیبیب وجیه، همان، ۲۳۱-۲۴۲) می‌تواند مصداق اعجاز علمی قرآن باشد.

تفاوت معجزه با شگفتی‌های قرآن: بسیاری از مواردی که نویسنده آن‌ها را معجزه علمی قرآن می‌داند، از مصادیق گزاره‌های علمی جهان خلقت هستند؛ نه اعجاز علمی قرآن، زیرا معجزه با بیان گزاره‌های علمی فرق دارد. قرآن زیبایی‌های مخلوقات را بارها به منظور درس آموزی، بیان کرده است، ولی دیگران از آوردن مثل آن‌ها ناتوان نبودند. به این موارد «زیبایی‌های علمی قرآن» گفته می‌شود؛ در حالی که معجزه چیزی است که دیگران از آوردن مثل آن ناتوان باشند، مثلاً مؤلف تشبیه انفاق در راه خدا به دانه گندم و رویش هفت خوشه و هر خوشه‌ای صد دانه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» (بقره / ۲۶۱) را اعجاز علمی قرآن می‌پندارد و بحث مفصلی درباره شکل‌گیری گندم، و نقش آن در زندگی بشر ارائه می‌دهد (همو، همان، ۱۴۸ - ۱۵۶). مواردی از این دست نمی‌توانند معجزه علمی قرآن باشند، زیرا عمر گندم هم‌تراز عمر بشر است و در تغذیه و زندگی عموم بشر همواره نقش مهمی بازی کرده است، بنابراین، ذکر آن در قرآن اعجاز علمی نیست، بلکه نقش مهم گندم در حیات بشر از شگفتی‌های خلقت است و تشبیه انفاق به گندم از زیبایی‌های جذاب قرآن است، لذا می‌توان آن را در زمره بیان گزاره‌های علمی قرآن قرار داد. اگر مسأله‌ای پیش از اسلام میان مردم مطرح بود و قرآن درباره آن

مطلبی دارد، نمی‌توان چنین مسأله‌ای را معجزه علمی پنداشت، زیرا اعجاز علمی آن است که سابقه‌ای پیش از قرآن نداشته باشد و برای اولین بار در آیات قرآن آمده باشد.

برای نمونه عسل و شفا بخش بودن آن پیش از قرآن مطرح بود و پزشکان و حکمای قدیم آن را برای درمان برخی بیماری‌ها توصیه می‌کردند. قرآن نیز به این موضوع اشاره کرد و فرمود: «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ»؛ (نحل / ۶۸)، بنابراین طرح عسل و شفا بودن آن در قرآن نمی‌تواند اعجاز علمی باشد، بلکه از شگفتی‌های علمی قرآن است (رضایی اصفهانی، محمد علی، همان، ج ۲، مبحث عسل)، اما نویسنده چند صفحه درباره عسل و ترکیبات آن، هدایت غریزی زنبور عسل، مکیدن شکوفه‌های گل توسط زنبور و امثال آن به تفصیل سخن گفته و آن را از معجزات علمی قرآن شمرده است (بیضون، لیب و جیه، همان، ۱۳۳-۱۴۱).

در موضوع فیزیولوژی نیز اعضای بدن انسان را مطرح می‌کند و خلقت هر کدام از لب‌ها و دست‌ها و... را که در برخی آیات قرآن آمده است، معجزه علمی می‌پندارد! در حالی که این گونه مسائل نمی‌توانند اعجاز علمی باشند، زیرا اولاً: آفرینش انسان و کارکرد هر یک از اعضای او پیش از قرآن نیز مورد توجه بود. ثانیاً: این موارد از مصادیق بیان شگفتی‌های خلقت است؛ نه معجزه علمی و قرآن آن‌ها را برای برانگیختن اندیشه انسان ذکر کرده است.

۲. بیان مطالب خارج از موضوع: نویسنده گاهی مطالبی غیر ضروری و خارج از موضوع را ذکر می‌کند. او پیرامون موضوع‌هایی مانند خلقت اشیا از آب که در آیه «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»؛ (انبیا / ۳۰) «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم»، مطرح شده است، مطالب مفصلی - در زمینه الکترون، پروتن و نوترون - ذکر می‌کند، سپس به بیان مرکبات می‌پردازد و ترکیب آب از اکسیژن و هیدروژن، حرارت نوعیه، کمیت حرارت، حرارت تبخیر و نقش آب در آن، جرم آب، شوری آب دریاها، اتم آب در قطب و... را به تفصیلی که در علوم تجربی بیان شده است، می‌آورد (بیضون، لیب و جیه، همان، ۱۶۹-۱۸۴)، در صورتی که نویسنده باید به تبیین ارتباط این مطالب با آیات قرآن می‌پرداخت.

۳. **نداشتن نوآوری:** نویسنده مطالبش را از دیگران گرفته است؛ چه مطالبی که به تفسیر آیات مربوط است و چه مطالبی که در ارتباط با علوم طبیعی نقل می‌کند.
دوم) نقد ساختاری

از نظر ساختاری بعضی اشکالها بر کتاب وارد است که به اختصار بدان اشاره می‌کنیم.

۱. **نداشتن مقدمه علمی:** هرچند کتاب فصل‌بندی به نسبت خوبی دارد، ولی مهم‌ترین کاستی آن از نظر ساختاری، نداشتن مقدمه علمی است که باید در ابتدای آن می‌آمد.

در باب اول کتاب مقدمات بحث شده است ولی این مطالب به مقدمه ربطی ندارند، زیرا مباحثی چون قرائت قرآن، چگونگی دیدن خدا، ایمان به غیب و تقدیر و تدبیر الهی، با موضوعات فصول بعدی ارتباطی ندارند. تنها عنوان «الاعجاز العلمي في القرآن» مناسب با بحث مقدمه است که از آن هم به اجمال گذشته و تعریف روشنی ارائه نشده است (همان، ۹-۲۳).

۲. **نتیجه‌گیری نکردن:** نویسنده از مباحث ارائه شده نتیجه‌ای به دست نمی‌دهد و در پایان هر فصل یا آخر کتاب جمع‌بندی مطالب و نتیجه مشخصی به چشم نمی‌خورد. در حالی که بدون جمع‌بندی و ذکر نتایج، مطلب روشنی به دست خواننده نمی‌آید و چه بسا بیان مسائل علمی پی در پی موجب سر در گمی هم بشود.

۳. **نداشتن نمایه:** وجود نمایه آیات، روایات و اسامی در آخر کتاب مراجعه خوانندگان به آیه، حدیث یا موضوع خاص را آسان می‌سازد، اما این کتاب هیچ نمایه‌ای ندارد.

سوم) نقد روشی و رویکردی

۱. **افراط در تفسیر علمی:** در انتساب علوم به قرآن باید با احتیاط برخورد کرد، چون قرآن در پی بیان علوم طبیعی نیست و اشارات آن در راستای هدف اصلی - هدایت و تربیت - است. این آیات گویای هدف اصلی قرآن هستند: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ»؛ (بقره/۱۸۵) و «قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ

مِنْ رَبِّكُمْ وَشَفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ (یونس/۵۷). اگر انتساب علوم بدون احتیاط صورت بگیرد، چه بسا روزی خلاف این ادعا اثبات شود و سستی باور بعضی از مخاطبان را که ایمان ضعیفی دارند، در پی آورد.

نویسنده در تفسیر علمی آیات زیاده روی کرده و شاید از روش طنطاوی در الجواهر پیروی کرده است که مدعی وجود تمام علوم طبیعی در قرآن است. این اندیشه به یقین افراطی است، زیرا هدف اصلی قرآن هدایت و تربیت مردم است و اشاراتش به مسائل علمی نیز در راستای همین هدف اصلی و در حدی است که انسان را به تفکر در زمینه علوم طبیعی بکشانند.

قرآن کریم ارزش والایی برای علم و عالم قائل است و انسان را بارها به تفکر، تعقل و نوآوری فرا می‌خواند. دستور به اندیشه و تأمل در پدیده‌های جهانی، زمین و آسمان و آن چه در آن دو هست، نوعی هدایت به تحصیل علوم جدید و خلاقیت و ابتکار در زمینه‌های گوناگون علمی و فنی است، زیرا تفکر و دقت در راز و رمز نظام آفرینش و آفریده‌های مختلف، انسان را به دستیابی به علوم و فنون جدید راهنمایی می‌کند، زیرا تنها، راه پیشرفت در دانش‌های بشری آگاهی از راز و رمز اسرار آفرینش است.

۲. تحمیل نظر بر قرآن: این شیوه از تفسیر علمی در یک قرن اخیر رواج یافته است و بسیاری از افراد با مسلم‌پنداری قوانین و نظریات علوم تجربی، می‌کوشند آیاتی موافق آن‌ها در قرآن بیابند و اگر موفق نشوند، به تأویل یا تفسیر به رأی دست می‌زنند و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کنند (رضایی اصفهانی، همان، ۱، ۴۷).

مطالب کتاب در بسیاری موارد از باب تحمیل بر قرآن است، زیرا نظریه‌هایی که قطعیت آن‌ها معلوم نشده و دلیل روشنی بر اثبات آن‌ها اقامه نشده است، یا دست کم احتمال تغییر و کشف خلاف آن نظریات منتفی نیست، به قرآن نسبت داده است. برای مثال، مؤلف بحث مفصلی را در بخش کیهان‌شناسی مربوط به آفرینش مخلوقات، درباره آیه کریمه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»؛ (طلاق/۱۲) مطرح و ادعا می‌کند که در آسمان نیز مانند کره زمین مخلوقاتی زندگی می‌کنند و از مزایایی که مردم در این جا بهره‌مندند، در آسمان‌های دیگر بهره می‌برند. این استفاده را بیشتر از آیاتی کرده است که در آن‌ها واژه

«سماوات» و «ارض» (نمل/۲۵ و ۴۸-۴۹؛ شورا/۲۹؛ رعد/ ۱۵) کنار هم آمده‌اند (بیضون، لیبیب وجیه، همان، ۶۵-۸۰). وجه تحمیل نظر بر قرآن از آن جا ظاهر می‌شود که نویسنده مطالب علمی غیر قطعی را به قرآن نسبت داده است، زیرا «زندگی در آسمان‌های دیگر مانند کره زمین» هنوز به قطعیت نرسیده و تنها از طریق ماهواره‌ها و فضاپروندها کم و بیش از وجود مخلوقات در کره‌های آسمانی اطلاعاتی ارائه شده است؛ آن هم نه در حدی که بتوان وجود تمام ویژگی‌های زندگی زمینی را در آن‌ها ادعا کرد؛ چنان‌که نویسنده از وجود نباتات، حیوانات، حشرات، مخلوقات با عقل و اندیشه در آسمان‌ها خبر می‌دهد و آیات قرآن را طبق آن تفسیر می‌کند (همو، همان، ۶۶). این روش در تبیین اعجاز علمی قرآن افراطی و مصداق تفسیر به رأی است. نهایت چیزی که درباره این آیه می‌توان گفت، این است که قرآن تنها یک نظریه علمی را مطرح کرده که هنوز علم اثبات نکرده است.

چهارم) نقد منابع مورد استفاده

از این نظر نیز نقدهایی بر کتاب وارد است و مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشند.
 ۱. ارجاع ندادن به منابع: از نقدهای مهم در منبع‌شناسی کتاب ارجاع ندادن مطالب تفسیری و علمی به منابع اصلی است. نویسنده گاهی به منابع اصلی ارجاع نمی‌دهد، مثلاً، مطالب ذکر شده در صفحات ۱۷۸-۱۸۴ در باب معجزه بودن آب را به منبعی ارجاع نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد، نویسنده، مطالب یاد شده را از تفاسیر و شاید تفسیر نمونه گرفته است؛ چون مطالب عین هم هستند؛ البته با تفاوت اجمال و تفصیل. در مورد حرکت قمر، ولادت، منازل و ... به تفصیل سخن می‌گوید، ولی باز ارجاع نمی‌دهد (همو، ۸۸).

۲. منابع اندک: منابع مورد استفاده در کتاب خیلی اندک است؛ در حالی که مطالب بسیاری در باب تفسیر و علوم طبیعی از آثار دیگران در این کتاب هست.

نتیجه

کتاب الاعجاز العلمي في القرآن، آقای لیبیب بیضون علی‌رغم اینکه دارای نقاط قوتی است ولی از نقاط ضعف شکلی و محتوایی خالی نیست و لازم است نویسنده به تجدید نظر و تکمیل آن پردازد.

منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات ارم، ۱۳۸۵ ش، چ سوم.
۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۰ ش.
۳. همو، جزوه کلاس درس اعجاز علمی قرآن، دوره دکترای قرآن و علوم.
۴. همو، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ۱۳۸۷ ش.
۵. همو، منطق تفسیر قرآن (۲)، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش، چ ۲.
۶. الصدر، سید محمدباقر، التفسیر الموضوعی والفلسفه الاجتماعیه فی المدرسه القرآنیه، تصحیح و تعلیق: جلال الدین علی الصغیر، الدارالعالمیه، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
۷. همو، المدرسه القرآنیه، مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه للشهید الصدر، قم، ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ ش.
۸. لیبب وجیه، بیضون، الاعجاز العلمی فی القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.